

گپ و گفت با یاسین خسروی، رکورددار جهانی پرتاب وزنه

تلاش کن، تلاش کن

از واژه سختی، من به عنوان نویسنده شما به عنوان مخاطب این متن و گفت وگو، یک تصور خاصی در ذهن خود دارید. برای یک نفر می‌تواند سختی، موقعیتی باشد که شام حاضر نیست و مجبور به تحمل است؛ و برای یک نفر دیگر سختی می‌تواند موقعیتی باشد که آن سوی کشور در نقطه صفر مرزی با وسایل محدود ورزشی دست ساز خود، برای مسابقات جهانی تمرین می‌کند.

از سختی چه می‌دانم؟ به عنوان نویسنده فقط می‌گویم هیچ و از شما دعوت می‌کنم صحبت‌های یاسین خسروی، توان یاب و عضو تیم ملی پرتاب وزنه کشورمان را بخوانید. البته لذت ببرید از داشتن همچین ورزشکاری که رکورد دنیا در دستان پر توان اوست.

امیرحسین علی‌نیافرد

نوجوانه



این را واقعا از صمیم قلب می‌گویم که اگر یک روزی نتوانم ورزش کنم شاید دیوانه شوم. ورزش در خون و رگ من جاری است. اگر امروز جایگاهی اجتماعی دارم، این جایگاه را ورزش به من تقدیم کرده است.

ورزش می‌تواند برای هر شخصی بسیار مفید باشد و به نظرم همه باید یک مدت زمان خاص را به ورزش کردن اختصاص دهند.

فدراسیون و نهادهای مربوط تا امروز چه قدر شما را درک و حمایت کرده‌اند؟

واقعیت این که فدراسیون همیشه از من حمایت‌های لازم را انجام داده و باید از صمیم قلبم از آنها تشکر کنم. از تک‌تک بچه‌های فدراسیون از حراست دم در تا خود رئیس فدراسیون و همچنین کمیته پارالمپیک بی‌نهایت تشکر می‌کنم.

نوجوانان و جوانان برای رسیدن به موفقیت چه کارهایی انجام دهند بهتر است؟

توصیه من به جوانان و نوجوانان عزیز این است که هدف‌های زیادی داشته باشند و این هدف، برنامه‌ریزی لازم را به دنبال خود طلب می‌کند. با انگیزه و خودباوری قطعاً تلاشتان بی‌ثمر نمی‌ماند و این موضوع هم در ورزش و هم در دیگر موضوعات صدق می‌کند. می‌خواهم بگویم در هر کار و در هر مسیری که می‌خواهید موفق شوید؛ در قدم اول درس‌تان را رها نکنید و همیشه دنبال تحصیل باشید.

آیا موفقیت به سن و سال خاصی بستگی دارد؟

بعضی وقت‌ها به سن ربط دارد اما در نهایت هر زمان اراده انجام هر کاری را می‌کنید، بعد از تلاش و صبر می‌توانید آن نتیجه دلخواه خود را کسب کنید و از موفق بودن لذت کافی را ببرید.

سخت و کوه‌های صعب‌العبور منطقه اورامانات، دو شیفته تمرین می‌کردم و امید داشتم روزی پیراهن تیم ملی را به تن کنم و در مسابقات بزرگ پارالمپیک حضور داشته باشم.

به گمانم ورزش در خون من جریان دارد و هیچ وقت در تمرینات خسته نمی‌شوم. به دلیل علاقه زیادم به این ورزش، هیچوقت از مصدومیت و درد و رنج‌هایش شکایت نکردم و نمی‌کنم و می‌توانم با اغراق بگویم که حتی درد را با جان خریدارم.

اما باید بگویم بی‌امکاناتی و محیط‌های کوچک واقعا شرایط سختی را برای هرکسی می‌سازد. ما به خاطر شرایط کاری بی‌یلاق و قشلاق می‌کردیم و هر جا می‌رفتیم وسیله بدنسازی اعم از صندلی پرتاب و وزنه را با خود می‌بردیم.

اگر در زمان قشلاق به منطقه مرزی روستای کلور می‌رفتیم، وسایل خودم را داخل کانکس قرار می‌دادم. به دلیل مرزی بودن منطقه حتی مجاز نبودیم یک کیسه سیمان برای درست کردن سکوی پرتاب ببریم ولی به هر حال وسایلم را بردم و سکوی پرتاب را درست کردم.

من این موارد را می‌گویم که متوجه سختی‌هایم در طول این مدت شوید. بسیار سختی کشیدم تا به این مرحله رسیدم و در نهایت به پنج مسابقه جهانی راه یافتیم. باید خدا را شکر کنم که هر پنج مسابقه با طلا و رکوردشکنی برای من همراه بوده و شاید بگویم ۲۰ درصد حقم را از این ورزش نگرفتم. به این دلیل می‌گویم سختی‌های ورزش حرفه‌ای برای یک فرد روستایی با یک ورزشکار شهری تفاوت بسیار زیادی دارد.

آیا ورزش تأثیری بر زندگی روزمره و طرز فکر شما گذاشته؟ ورزش کردن چه قدر می‌تواند به حال خوب یک فرد کمک کند؟

دنبال دوستانم می‌رفتم و با آنها مشغول بازی می‌شدم. هر بار خانواده‌های آنها مرا می‌دیدند؛ همیشه به من می‌گفتند که مشغول درس و مشق خود شوم و دائم مزاحم دوستانم برای بازی کردن نشوم. در کل دنیای من در آن زمان با بقیه بسیار فرق داشت و جدا از شیطنت، با کل‌کل‌های فوتبالی با دوستانم برای دربی‌های فوتبال انگلیس می‌گذشت.

به یاد دارم کلاس هفتم راهنمایی بودم که یک روز تیم‌های فوتبال پرسپولیس و برق شیراز با یکدیگر بازی داشتند. نمی‌دانم آن روز در خوابگاه چه کار و شیطنتی از من سر زد که سرپرست خوابگاه، همه ما را از دیدن فوتبال محروم کرد. من هم کتابی دستم گرفتم و در سالن می‌چرخیدم تا به این بهانه بتوانم از پشت شیشه دفتر، بازی فوتبال را تماشا کنم. خلاصه تمام بازی را به این صورت تماشا کردم و در نهایت سرپرست بعد از متوجه شدن این مسأله، حسابی مرا کتک زد.

چطور همیشه یک شرایط سخت و سنگین را درک کرد؟ خود شما در شرایط سخت و ناامیدی از چه راهی استفاده می‌کنید تا حالتان خوب شود؟

هر چند واقعا باید اعتراف کرد که جامعه معلولان کمی و کاستی‌هایی برای خود دارد ولی باور کنید من، یاسین خسروی، هر کاری کردم و به هر روشی که ممکن بود تلاش کردم با تمام این محدودیت‌ها به موفقیت برسم و باید اعلام کنم که هیچوقت ناامید نشدم. شاید به دلیل معلولیتم بسیار هم اذیت شدم ولی هیچگاه ناامید نشدم.

دروازه‌های جوانی و زمانی که وارد رشته‌های ورزشی شدید، نگاه خانواده و حرف آنها با شما چه بود؟ نمی‌گفتند ورزش را رها کنید؟

زمانی که وارد تیم‌های فوتبال شده بودم، خیلی از افراد مختلف به من می‌گفتند ورزش را رها کنیم و به کار دیگری دل بدهم. راستش به خودم در مقابل این صحبت‌ها ایمان و باور داشتم.

برای مسابقات جهانی و ثبت رکورد از چه چالش‌هایی عبور کردید که کمتر کسی از آن خبر دارد؟

عقیده دارم اگر پاهایم ضعیف‌ترین پاهای دنیاست اما دستانم باید به قویترین دست‌های دنیا تبدیل شود. باید بی‌اغراق بگویم هیچ وقت تمریناتم را قطع نمی‌کردم.

شغل اصلی ما دانداری است. کارروانه دانداری طوری است که فقط می‌توانی آن کارها را در طول روز انجام بدهی ولی من با وجود این همه کار



به گمانم ورزش

در خون من در

جریان است و

هیچ وقت در

تمرینات خسته

نمی‌شوم. به

دلیل علاقه زیادم

به این ورزش،

هیچ وقت از

مصدومیت و

درد و رنج‌هایش

شکایت نکردم

و نمی‌کنم و

می‌توانم با اغراق

بگویم که حتی

درد را با جان

خریدارم

چه دلیلی باعث شد با وجود محدودیت‌ها به ورزش روی آورید؟

از همان اوایل کودکی به ورزش بسیار علاقه مند بودم. هرکاری مثل درس خواندن و کار کردن را به ورزش ترجیح می‌دادم و فوتبال در رگ‌های من جاری شده بود. حتی این جور فکر می‌کردم و با خود می‌گفتم که باید به صورتی کار کنم که در سالن‌ها فوتبال بازی کنم. اما با گذشت زمان فهمیدم باید رشته ورزشی دیگری را دنبال کنم. در ادامه خودم را به هیات استان معرفی کردم و با توجه به مسافت زیاد تا باشگاه، به من پیشنهاد شد وارد رشته پرتاب وزنه شوم. حتی در ادامه به من پیشنهاد شد در صورت ورود من به این عرصه، تجهیزات مختلفی را برای من به محل زندگی‌ام ارسال می‌کنند اما در آن زمان قبول نکردم. باید البته اشاره کنم که از محل زندگی تا باشگاه دو ساعت راه بود. در ادامه از روی ناچاری به ورزش والیبال نشسته رو آوردم و اگر راستش را بخواهم بگویم؛ نمی‌توانستم به آن به دید یک ورزش نگاه کنم به این دلیل که از روی علاقه نبود. بعد از چند مدت پیگیری ورزش والیبال یک روز اتفاق جالبی رخ داد.

یک روز زمان بازی‌های والیبال برخورد کرد به سانس بازی‌های فوتبال و من به پیشنهاد یک نفر به عنوان بار آنها وارد زمین شدم و بعد از بازی از من به شدت تعریف کردند. این ارتباط باعث شد تا من مجدداً راه و ورزش خودم را به سمت فوتبال عوض کنم و زیر نظر مربی یک ماه تمرین کردم. بعد از یک ماه تمرین با بچه‌ها به مسابقات انتخابی کشوری رفتیم و در نهایت در ناباورانه‌ترین حالت در آن زمان در انتخابی تیم ملی قبول شدم و بعد از آن وارد فهرست ۲۰ نفر اصلی شدم. بعد از گذشت چند سال به این نتیجه رسیدم که ورزش فوتبال، چیزی نبود که من دنبالش بودم و تصمیم دوباره‌ای برای تعویض رشته ورزشی خودم گرفتم. در نهایت به این صورت وارد ورزش پارادوومیدانی شدم.

دوران نوجوانی هم اهل ورزش بودید یا بیشتر ترجیح می‌دادید درس بخوانید؟

باید اعتراف کنم دوران نوجوانی پرچالشی را گذرانده‌ام. به این دلیل که به شدت اهل ورزش و شیطنت در مدرسه بودم. من دهه هفتادی و متولد ۱۳۷۱ هستم و باید صراحتاً اعلام کنم که نصف عمرم منتظر بودم در مسابقات جهانی حضور داشته باشم و بتوانم دل مردم را شاد کنم و واقعا رویای من، به پارالمپیک رسیدن بود. بسیار اهل بازی و شیطنت بودم و خیلی وقت‌ها